

مدیر عامل شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران مطرح کرد:

ایران در گرداب کم‌آبی؛ از قنات‌های کهن تا بحران آب‌های ناپدید

سرزمین قنات‌ها و مدیریت سنتی آب، امروز با بحرانی بی‌سابقه در منابع آبی دست‌وپنجه نرم می‌کند. کاهش ۲۰ تا ۲۵ درصدی منابع آب تجدیدپذیر، برداشت ۹۳ درصدی از این منابع، و مصرف ناکارآمد در کشاورزی و صنعت، کشور را در وضعیت فوق‌بحرانی قرار داده است. ممیزی آب و شفافیت داده‌ها، کلید عبور از این بحران و ساخت آینده‌ای پایدار است.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی معدن پیشرو؛ تورج زارع مدیر عامل شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران در یادداشتی نوشت: ایران، سرزمینی با پیشینه‌ای چند هزار ساله، همواره با کم‌آبی زیسته و در مدیریت آن پیشگام بوده است؛ از قنات‌های شگفت‌انگیز یزد و کرمان تا تقسیم‌بندی‌های سنتی و دقیق آب در حوزه‌های زراعی. ایرانیان به‌خوبی دریافته بودند که بقای این سرزمین در گرو احترام و دقت در مصرف آب است. با این حال، در روند توسعه معاصر، ظرفیت‌های زیست‌محیطی کشور نادیده گرفته شد؛ توسعه بی‌برنامه، تصمیم‌های بخشی و غفلت از واقعیت‌های اقلیمی موجب شد تا امروز با یکی از پیچیده‌ترین بحران‌های ملی مواجه شویم: بحران آب.

در دهه ۱۳۷۰، منابع آب تجدیدپذیر کشور حدود ۱۳۰ میلیارد متر مکعب برآورد می‌شد، اما اکنون این رقم به حدود ۱۰۰ تا ۱۱۰ میلیارد متر مکعب کاهش یافته است؛ یعنی افتی ۲۰ تا ۲۵ درصدی در کمتر از سه دهه ضریب برداشت از منابع تجدیدپذیر در ایران به بیش از ۹۰ درصد رسیده است.

عددی که به‌تنهایی نشان‌دهنده وضعیت فوق‌بحرانی است. طبق استانداردهای جهانی، برداشت کمتر از ۲۰ درصد نشانه پایداری، ۲۰ تا ۴۰ درصد در محدوده هشدار، و بالای ۴۰ درصد وارد منطقه بحرانی می‌شود.

ایران با ضریب برداشت ۹۳ درصد، در زمره معدود کشورهایی است که در محدوده فوق‌بحرانی قرار دارند. برای مقایسه، آلمان فقط ۱۳ درصد از منابع تجدیدپذیر خود را برداشت می‌کند، ترکیه حدود ۲۰ درصد، عربستان سعودی با همه سرمایه‌گذاری‌های گسترده در شیرین‌سازی، ۸۰ درصد و مصر حتی به ۱۲۰ درصد رسیده است؛ که عملاً به معنای وابستگی شدید به واردات آب مجازی است.

یکی از اصلی‌ترین بازیگران بحران آب در ایران، بخش کشاورزی است. این بخش بیش از ۸۵ درصد آب کشور را مصرف می‌کند؛ در برخی سال‌ها این رقم تا ۹۰ درصد نیز افزایش یافته است.

در حالی‌که میانگین جهانی مصرف آب در کشاورزی حدود ۷۰ درصد است، کشورهای توسعه‌یافته این سهم را به ۳۰ تا ۴۰ درصد کاهش داده‌اند. از سوی دیگر، راندمان آبیاری در کشاورزی ایران در بسیاری از مناطق همچنان زیر ۳۰ درصد است، در حالی‌که در کشورهای پیشرو راندمان مطلوب بین ۷۰ تا ۸۰ درصد است. به‌عبارتی، بخش عمده‌ای از آب کشور صرف کشاورزی‌ای می‌شود که در بسیاری از مناطق هم پرمصرف است و هم کم‌بازده.

ممیزی آب، ستون فقرات هر برنامه‌ریزی بلندمدت است. ما وارثان سرزمینی هستیم که آب را با دقت و احترام تقسیم می‌کرد.

اگر بخواهیم آینده‌ای پایدار بسازیم، باید همان مسیر را با ابزارهای امروز ادامه دهیم: با فناوری، با شفافیت، و با درک این حقیقت که هیچ بخشی نه کشاورزی، نه صنعت، و نه دولت به‌تنهایی قادر به عبور از بحران نخواهد بود. راه نجات، راهی مشترک است، و نقطه آغاز آن، شناخت دقیق واقعیت‌هاست.

و در پایان، باید بدانیم: بی‌عدالتی در تقسیم آب، یعنی بی‌عدالتی در آینده.